



سالنامه علمی - تخصصی
سال پنجم، شماره ۵، سال ۱۴۰۱

بازشناسی هویت و وثاقت غیاث بن ابراهیم^۱

سید موسی شبیری زنجانی^۲

چکیده

یکی از روایاتی که در عداد راویان از امام صادق علیه السلام در اسناد روایی عنوان شده، غیاث بن ابراهیم است. او غیاث بن ابراهیم تمیمی عدنانی است و با غیاث نخعی متفاوت است. صحت این ادعا با توجه به قبیله، کنیه و زادگاه دو عنوان یاشده نمایان می‌گردد. گرچه امکان نقل غیاث تمیمی از امام باقر علیه السلام وجود دارد، ولی نظر به آنکه فردی پرروایت بوده، بعید است زمان امام باقر علیه السلام را درک کرده باشد و از آن حضرت روایتی نقل نکرده باشد. در هر حال او از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز بوده است. شواهد فراوانی بر وثاقت و امامی بودن غیاث گواهی می‌دهد. مضامین روایات غیاث، یادکرد از حضرت علی علیه السلام با عنوان امیر المؤمنین، کاربست تعبیر «ثقة» از سوی نجاشی درباره غیاث، اعتماد کلینی به روایات غیاث با وجود روایات معارض از امامیان، تنها بخشی از شواهد مورد



۱. تاریخ دریافت: ۴۰۲/۶/۲

تاریخ تأیید: ۴۰۲/۶/۱۲

۲. این مقاله به همت آقای هادی سلیمان از دروس خارج فقه آیت الله العظمی شبیری زنجانی رحمته الله علیه و زیر نظر مرکز فقهی امام محمدباقر علیه السلام، استخراج و به تأیید رسیده است.
mfemb110@gmail.com

اشاره است. شایان ذکر است که مراد از غیاث بدون قید «بن ابراهیم» در اسناد روایی، غیاث بن ابرهیم تمیمی امامی است، نه غیاث بن کلوب عامی؛ مگر در مواردی که از اسحاق بن عمار نقل روایت کرده باشد.

واژگان کلیدی: غیاث بن ابراهیم، غیاث بن کلوب، اعتبارسنجی راویان، تمییز مشترکات.

مقدمه

عمده منابع استنباط احکام شرعی، روایات منقول از امامان شیعه است و اعتبارسنجی روایات، منوط به شناخت راویان است. در بررسی شخصیت راویان، چند پرسش کلان باید مورد توجه قرار گیرد: ۱. آیا راوی مورد نظر همان شخصی است که ترجمه‌ای از وی در کتب رجالیان وجود دارد؟ و آیا ادله‌ای که بر وثاقت یا تضعیف شخصی با همان نام اقامه شده، مربوط به راوی مورد نظر است یا تشابه اسمی وجود دارد؟ ۲. آیا راوی مورد نظر از نظر مذهب، امامی است یا از سایر فرق شیعه و یا از عامه است؟ اهمیت این مطلب در مرجحات باب تعارض روشن می‌شود؛ زیرا برخی از محققان، یکی از مرجحات باب تعارض را صفات راوی دانسته‌اند؛ بلکه بر اساس مبنای شیخ انصاری از مرجحات منصوبه به غیر منصوبه نیز تعدی می‌شود^۱ و یکی از مرجحات - گرچه منصوبه نباشد - امامی بودن راوی است. البته بر اساس برخی مبانی، به طور کلی خبر غیر امامی ثقه مطلقاً، یا در فرض مخالفت با روایات و فتاوی امامی، ذاتاً معتبر نیست.^۲ آیا راوی مورد نظر، ثقه است؟ ۴. اگر در سند، نامی مشترک بین دو یا چند راوی باشد، چگونه می‌توان مشترکات را تمییز داد و به مشخصات راوی یاد شده در سند مورد نظر پی برد؟

اهمیت بررسی مسائل فوق زمانی بیشتر خواهد بود که راوی مورد بررسی، دارای روایات فراوان و تأثیرگذار در نتایج مباحث فقهی باشد. یکی از این راویان دارای اهمیت، غیاث بن ابراهیم است که در منابع روایی امامی، حدود دویست روایت از وی نقل شده است. پژوهش حاضر به این پرسش‌ها درباره غیاث بن ابراهیم می‌پردازد؛ زیرا تعبیر رجالیان در

۱. انصاری، فرائد الأصول، ج ۴، ص ۷۵.

۲. برای نمونه: عاملی، مدارک الأحکام، ج ۱، صص ۴۹، ۸۲ و ۱۶۲.

۳. طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۵۰.

مورد غیاث بن ابراهیم مختلف و متفاوت است و همین، بنیاد پرسش‌های فوق را بنا خواهد نهاد. نجاشی وی را تمیمی اسدی بصری و به عنوان راوی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام با تعبیر «ثقة» معرفی کرده^۱ ولی شیخ طوسی در فهرست، متعرض زادگاه و تبار وی نشده، و تعبیر «ثقة» را درباره وی به کار نبرده؛ البته وی را تضعیف نیز نکرده است.^۲ او در کتاب رجال، غیاث را هم در باب اصحاب الصادق علیه السلام^۳ و هم در باب «من لم یرو عن الأئمة علیهم السلام»^۴ آورده، ولی در باب اصحاب الباقر علیه السلام می‌گوید: «غیاث بن ابراهیم بتری».^۵ برقی در اصحاب حضرت صادق علیه السلام وی را نخعی - نه تمیمی - و کوفی - نه بصری - معرفی کرده است.^۶

اگر مراد از غیاث در اسناد روایی، غیاث نخعی باشد که عامی است، سند روایت با مشکل مواجه خواهد شد؛ زیرا در منابع عامه، این شخص به کذب و وضع منتسب شده است.^۷ برای نمونه بیان شده که مهدی عباسی به کیوتربازی علاقمند بود، و غیاث برای خوش‌آیند او حدیث «لا سبق إلا فی خفّ أو حافر أو جناح» را جعل کرده است.^۸ البته در مورد جاعل این حدیث، اختلاف است؛ زیرا برخی جاعل آن را وهب بن وهب ابوالبختری دانسته‌اند. در تاریخ بغداد در شرح حال وهب بن وهب آمده، که احمد بن حنبل گفت: این حدیث را فقط او (ابوالبختری) روایت کرده است.^۹ افزون بر آن، با قطع نظر از این تضعیفات، حتی اگر وی عامی ثقة هم باشد، بر اساس برخی مبانی - چنان‌که در سطور پیشین گذشت - اعتبار ذاتی روایات وی مطلقاً یا در برخی فروض، از بین خواهد رفت و بر اساس برخی مبانی دست‌کم در تعارض با روایات دیگر ممکن است مرجوح واقع شود.

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳.

۲. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.

۳. طوسی، رجال، ص ۲۶۸، رقم ۱۶.

۴. همان، ص ۴۳۵، رقم ۲.

۵. همان، ص ۱۴۲.

۶. برقی، الطبقات، ص ۴۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲۰.

۷. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳۷؛ رقم ۶۶۷۳.

۸. برای نمونه: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲۰؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳۷؛ رقم ۶۶۷۳. همان.

۹. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۴۶۰.

بنابراین بررسی در مورد غیاث بن ابراهیم از چند جهت لازم است: ۱. بررسی اتحاد غیاث بن ابراهیم تمیمی و نخعی؛ ۲. بررسی اتحاد غیاث راوی امام صادق علیه السلام با غیاث راوی امام باقر علیه السلام؛ ۳. بررسی مذهب غیاث بن ابراهیم تمیمی؛ ۴. بررسی وثاقت وی. علاوه بر مطالب فوق، در این پژوهش، راویان مشترک در نام «غیاث» نیز تمییز داده شدند.

پیشینه

در زمینه غیاث بن ابراهیم پژوهش‌های اندکی ارائه شده است. در یکی از مقالات، نویسنده با توجه به مجموعه‌ای از تحلیل‌ها، مدعی شده که غیاث بن ابراهیم کذاب که در اسناد روایات اهل سنت آمده، همان غیاث بن ابراهیم است که در اسناد روایات شیعه از او یاد می‌شود و هویت هر دو راوی یکی است و در نهایت، غیاث بن ابراهیم را بتری مذهب و غیر موثق دانسته است.^۱ در مقاله‌ای دیگر که سال‌ها پس از مقاله نخست نگاشته شده، آمده است که غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی که شرح حالش در رجال نجاشی آمده و از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند، غیر از غیاث بن ابراهیم بتری مذهبی است که در رجال شیخ طوسی در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام قرار گرفته است و گذشته از اثبات وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی، به بررسی مذهب این راوی پرداخته و در نهایت، امامی بودن وی را نتیجه گرفته است.^۲

در پژوهش پیش‌رو، گرچه امامی بودن غیاث بن ابراهیم موجود در اسناد روایی اثبات شده، اما نسبت به مقاله اخیر که همین مطلب را اثبات کرده، امتیازاتی دارد: ۱. یکی از منابع عمده مقاله اخیر، مطالب درس خارج نکاح نگارنده است که به صورت ناقص مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله اینکه در بحث از امکان نقل غیاث بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام تنها به ادله درس نگارنده اشاره شده، بدون اینکه این ادله تبیین شود و بنابراین بسیاری مطالب مطرح شده تنها به صورت ادعای محض نمود پیدا کرده است. البته در

۱. فرجامی، اعظم، «شناسایی یک راوی مشترک...»، علوم حدیث، ش ۴۰، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۲. حسین نژاد، سید مجتبی، «تحلیل شخصیت رجالی غیاث بن ابراهیم در اسناد روایی شیعه»، کتاب قیم، ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.

حواشی، برخی تتبعات در خور تقدیر دارد. مقاله مذکور، به مقاله نخست نیز نظر داشته و به صورت بسیار مختصر، ادله عامی بودن غیاث را که در مقاله نخست ادعا شده بود، نقد و رد کرده است؛ ولی در پژوهش حاضر به جهت قابل توجه نبودن ادله مقاله نخست، از طرح و بررسی آن اجتناب شده است. ۲. در پژوهش پیش‌رو، ادله امکان نقل غیاث راوی از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام به تفصیل بررسی شده که این بحث پیشینه‌ای ندارد. ۳. مواردی که در اسناد روایی، غیاث بدون هیچ قیدی آمده، و محتمل است که مردد بین غیاث بن ابراهیم و شخص دیگری باشد، تمییز داده شده است.

مفهوم شناسی

اصطلاح «تمییز مشترکات» متمایز و مشخص کردن کسانی است که در نام، دارای اشتراک هستند و برای قضاوت دربارهٔ اموری مانند وثاقت و مذهب آنها نیاز به تمییز است.^۱

«امامی» کسی است که شیعهٔ دوازده امامی است نه همهٔ کسانی که به خلافت بلافصل امیر مؤمنان علیه السلام باور دارند^۲ و «شیعه» کسی است که به خلافت بلافصل امیر مؤمنان علیه السلام باور دارد است ولی دوازده امامی نیست؛ بنابراین فطحیه و واقفیه شیعه هستند، ولی امامی نیستند.^۳

«ثقه» در لغت به معنای شخص مورد اعتماد است، و در منابع رجال اگر به طور مطلق دربارهٔ شخصی به کار رود، یعنی علاوه بر وثاقت در نقل حدیث، در اعتقاد نیز مورد اعتماد است؛ یعنی امامی است.^۴

اتحاد غیاث بن ابراهیم تمیمی و نخعی

در برخی کتب^۵، گمان شده غیاث بن ابراهیم تمیمی و نخعی یکی هستند. در معجم الرجال محقق خوبی نیز بر اساس همین اشتباه آمده است که برقی، غیاث بن ابراهیم نخعی را از

۱. ر.ک: عاملی، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۳۴؛ بصری، فائق المقال، ص ۳۵۱؛ کجوری، الفوائد الرجالية، ص ۱۲۹.

۲. برای نمونه: اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۲، ص ۸۰؛ عاملی، مشرق الشمسین، ص ۵۰؛ استرآبادی، الفوائد المدنیة، ص ۴۸۷؛ سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۶۷۰.

۳. همان.

۴. استرآبادی، منهج المقال، ج ۱، ص ۹۶.

۵. برای نمونه: حلی، رجال، ص ۴۹۱؛ حلی، خلاصة الأقوال، صص ۲۴۵-۲۴۶.

اصحاب حضرت صادق علیه السلام شمرده است.^۱ ولی بر اساس شواهد مختلفی می‌توان گفت عنوان «غیاث بن ابراهیم تمیمی» و «غیاث بن ابراهیم نخعی» یکی نیستند: شاهد نخست: غیاث بن ابراهیم نخعی از قبیله نخع و قحطانی^۲ است و چون نسباً نخعی است نه ولاء،^۳ برخی^۴ از او با عبارت «عربی» یاد کرده‌اند؛ یعنی از موالی نیست. اگر وی جزء موالی بود، باید از آن یاد می‌شد، اما حتی در کتب رجالی عامه نیز سخنی از ولاء مطرح نیست؛ پس اصل و نسب او نخعی است. اما غیاث بن ابراهیم که نجاشی^۵ و شیخ در فهرست^۶ و رجال^۷ او را عنوان کرده‌اند، تمیمی است. تمیم جزء قبایل عدنان است^۸ و چون سخنی از ولاء به میان نیامده، پس اصل و نسب او تمیمی است. تمیم دارای بطون مختلفی است که «أسبذی‌ها» و «أسبذی‌ها» از بطون آن هستند.^۹ صاحب قاموس الرجال، «أسبذی» بودن را تقویت کرده است؛ چون در برخی از روایات، محمد بن یحیی خزاز^{۱۰} از غیاث بن ابراهیم الدارمی نقل کرده^{۱۱}، و «أسبذی» یکی از تیره‌های دارم است^{۱۲}؛ از این رو به احتمال قوی «أسبذی» یا «أسبذی» است.^{۱۳}

شاهد دوم: کنیه غیاث بن ابراهیم نخعی، «ابو عبدالرحمن» است که در کتب عامه آمده است.^{۱۴} اما کنیه تمیمی که در کتب شیعه آمده، «ابو محمد» است.^{۱۵}

۱. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۱.
۲. کلبی، نسب معد و الیمن، ج ۱، ص ۱۳۱.
۳. برقی، کتاب الطبقات، ص ۴۲.
۴. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳.
۵. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.
۶. طوسی، رجال، ص ۲۶۸، رقم ۳۸۵۳.
۷. کلبی، نسب معد و الیمن، ج ۲، ص ۵۴۱؛ بستی، تاریخ الصحابة، ص ۵.
۸. کلبی، جمهرة النسب، ص ۲۶۸؛ ابن اثیر جزری، اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۱، ص ۵۰؛ سمعانی، الأنساب، ج ۱، ص ۲۵۴، رقم ۱۶۴.
۹. محمد بن یحیی الخزاز، راوی کتاب غیاث تمیمی است (طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱) و بیش از ۴۰ روایت در کافی توسط محمد بن یحیی از غیاث نقل شده است.
۱۰. صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۱۴۶، ح ۳۵۳۹؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۵۷.
۱۱. کلبی، جمهرة النسب، ص ۲۰۱؛ سمعانی، الأنساب، ج ۱، ص ۱۹۵، رقم ۱۲۶.
۱۲. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۴.
۱۳. جرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۱۱۳؛ بخاری، تاریخ الکبیر، ج ۷، ص ۱۰۹.

شاهد سوم: غیاث بن ابراهیم نخعی، کوفی است؛ اما غیاث بن ابراهیم تمیمی، بصری است که در کوفه سکونت پیدا کرده است.^۲ وقتی در کتب تفصیلی، کسی مثل نخعی اهل جایی معرفی شود و هیچ تفصیلی ذکر نشود، به طور معمول نشان می‌دهد که در اصل، مربوط به آن مکان است؛ نه اینکه در آن شهر منزل گزیده است.

شاهد چهارم: بدون هیچ اشکالی غیاث بن ابراهیم نخعی، از عامه، و جزء دستگاه خلافت بوده است^۳، ولی غیاث بن ابراهیم تمیمی، شیعه و دست‌کم متشیع بوده است. توضیح اینکه غیاث بن ابراهیم نخعی از معاریف عامه است و در چند کتاب از کتب عامه مانند تاریخ بغداد^۴، میزان الاعتدال^۵، لسان المیزان^۶، تاریخ بخاری^۷ و جرح و تعدیل^۸، تضعیف شده ولی با وجود حساسیت عامه به تشیع، ضعفی به عنوان تشیع به او نسبت نداده‌اند؛ پس روشن می‌شود که عامه او را شیعه نمی‌دانسته‌اند.

با توجه به مطالب فوق الذکر، غیاث بن ابراهیم تمیمی و نخعی، دو نفرند و نخعی و تمیمی در یک فرد جمع نشده است. غیاث مورد بحث، غیاث بن ابراهیم تمیمی، صاحب کتاب است؛ پس آنچه عامه در شرح حال غیاث بن ابراهیم نخعی به عنوان نقطه ضعف مطرح کرده‌اند، ربطی به غیاث بن ابراهیم تمیمی ندارد.

اتحاد غیاثِ راوی امام صادق علیه السلام با غیاثِ راوی امام باقر علیه السلام

از آنجا که شیخ طوسی در جایی از کتاب رجال، غیاث بن ابراهیم را - بدون روشن نمودن تبار وی - بتری و راوی از امام باقر علیه السلام دانسته، این پرسش مطرح می‌شود که غیاث تمیمی آیا از اصحاب امام باقر علیه السلام نیز هست؟ به عبارتی آیا غیاثِ راوی امام صادق علیه السلام با غیاثِ راوی

۱. طوسی، رجال، ص ۲۶۸، رقم ۳۸۵۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲۰.

۴. همان.

۵. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳۷، رقم ۶۶۷۳.

۶. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۶، ص ۳۱۱، رقم ۶۰۰۲.

۷. بخاری، التاريخ الكبير، ج ۷، ص ۱۰۹.

۸. رازی، الجرح و التعدیل، ج ۷، ص ۵۷، رقم ۳۲۷.

امام باقر علیه السلام یکی است؟ اگر امکان روایت غیاث بن ابراهیم تمیمی از امام باقر علیه السلام نباشد، می توان گفت بتری دانستن شخصی به نام غیاث بن ابراهیم که راوی از امام باقر علیه السلام است، ارتباطی با غیاث بن ابراهیم تمیمی پیدا نمی کند.

امکان سنجی نقل غیاث راوی امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام

صاحب قاموس الرجال^۱ اتحاد دو عنوان غیاث راوی از امام صادق علیه السلام و غیاث اصحاب الباقر علیه السلام را ممکن دانسته است؛ اما محقق خوبی به چند دلیل، غیاث بن ابراهیم را که هم صحبت امام صادق علیه السلام بوده، متفاوت با غیاث بن ابراهیم مصاحب امام باقر علیه السلام می داند و بر این باور است که وی اساساً نمی تواند از ایشان نقل نماید.^۲

دلیل نخست: غیاث بن ابراهیم که از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده شده، راوی کتابش «اسماعیل بن ابان بن اسحاق الوراق» است^۳ و طبق سخن نجاشی، «احمد بن ابی عبداللّه برقی» راوی کتاب خود «اسماعیل بن ابان» است.^۴ محمد بن یحیی خزاز نیز راوی دیگر کتاب غیاث است^۵، و کتاب او را نیز برقی نقل کرده است.^۶ از آنجا که برقی در سال ۲۸۰ ق - و طبق دیدگاهی ۲۷۴ ق - وفات کرده است^۷، نقل روایت او با یک واسطه (اسماعیل بن ابان و محمد بن یحیی) از اصحاب حضرت باقر علیه السلام، ممکن نیست؛ بنابراین، غیاث بن ابراهیم از اصحاب امام باقر علیه السلام نیست.^۸

این دلیل با چند اشکال صغروی و کبروی مواجه است.

اشکال صغروی: بر اساس رجال نجاشی، «اسماعیل بن ابان وراق» در سند کتاب غیاث بن ابراهیم آمده است، اما نقل روایت برقی از اسماعیل بن ابان وراق ثابت نشده است؛ زیرا

۱. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۹۰.
۲. خوبی، موسوعة، ج ۳۲، ص ۱۲؛ همو، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۱.
۳. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵.
۴. همان، رقم ۷۰.
۵. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.
۶. همان، ص ۴۳۷، رقم ۶۹۸.
۷. نجاشی، رجال، ص ۷۷.
۸. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

با مراجعه به کتب رجال و اسانید روایات، روشن می‌شود دو نفر با نام «اسماعیل بن ابان» هستند؛ یکی «اسماعیل بن ابان الحنّاط (الخياط)» که توثیق نشده^۱، و دیگری «اسماعیل وراق» که عامه وی را توثیق کرده، اما به تشیع او ایراد گرفته‌اند.^۲ نجاشی در مورد «اسماعیل بن ابان» که برقی کتاب او را روایت کرده، ویژگی‌ای نیاورده است؛ از این رو معلوم نیست این اسماعیل بن ابان، همان «وراق» باشد.

در پاسخ به این اشکال صغروی باید گفت: در کتب عامه، «اسماعیل بن ابان الوراق الأزدي أبو اسحاق الكوفي» متوفی ۲۱۶ق و «اسماعیل بن ابان الغنوي الخياط أبو اسحاق الكوفي»، متوفی ۲۱۰ق نیز آمده است.^۳ با توجه به نزدیکی سال وفات این دو اسماعیل بن ابان، اشکال صغروی وارد نیست؛ بنابراین، اشکال عمده، کبروی است که در ادامه بیان می‌شود.

اشکالات کبروی: اشکال نخست: خود ایشان نقل احمد برقی را با یک واسطه، از اصحاب امام باقر علیه السلام ممکن دانسته است؛ با این توضیح که نجاشی می‌گوید احمد برقی کتاب اسماعیل بن ابان را روایت کرده^۴، و محقق خوبی پس از نقل این عبارت می‌گوید: «هذا [أي إسماعيل بن أبان] أحد الرجلين اللذين ذكرهما الشيخ».^۵ چون شیخ در فهرست دو نفر را به نام اسماعیل بن ابان عنوان کرده که هر دو صاحب کتاب هستند. راوی از نخستین «ابوسمینه، محمد بن علی صیرفی» است^۶، و راوی از دیگری «ابراهیم بن سلیمان» است^۷، و این دو نفر باید در یک طبقه باشند که احتمال تطبیق بر یکی از این دو داده شده؛ پس محتمل است مروی عنه برقی، اسماعیل بن ابان دوم باشد (که راوی از او ابراهیم بن سلیمان است).

و ذیل ترجمه اسماعیل بن ابان دوم آورده است: «نعم یحتمل اتحاد هذا مع إسماعيل بن

۱. بخاری، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۳۴۷، رقم ۱۰۹۳

۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۳۴۸؛ جرجانی، الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۵۰۳، رقم ۱۳۲؛ مزی، تهذیب الکمال، ج ۳، صص ۸-۹.

۳. برای نمونه: ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۱۲؛ مزی، تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۱۰ و ۱۳.

۴. نجاشی، رجال، ص ۳۲، رقم ۷۰.

۵. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۳، رقم ۱۲۷۴.

۶. طوسی، فهرست، ص ۴۱۲، رقم ۶۲۵.

۷. همان، ص ۱۰، رقم ۳.

أبان الحنّاط الآتي»^۱ (که از اصحاب حضرت صادق علیه السلام است)؛ پس بر اساس نظر محقق خوبی، امکان دارد که احمد برقی با یک واسطه (که همان اسماعیل بن ابان حنّاط^۲ است که از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام بوده است) از اصحاب حضرت باقر علیه السلام روایتی نقل کند. اشکال دوم: برقی از محمد بن سنان نقل روایت می‌کند، و محمد بن سنان نیز از ابوالجارود (که از اصحاب حضرت باقر علیه السلام است) روایت نقل می‌کند؛ پس برقی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام با یک واسطه (محمد بن سنان) روایت نقل کرده است.^۳ اشکال سوم: اسماعیل بن ابان و زّاق در طبقه‌ای است که می‌تواند از اصحاب حضرت باقر علیه السلام روایت کند، و حدود سیزده نفر از مشایخ اسماعیل را تهذیب الکمال^۴ نقل کرده است که تاریخ ولادت یا وفات چند تن از آنها معلوم است:

الف. یکی از مشایخ اسماعیل «ابوالجارود، زیاد بن منذر» است، که از اصحاب حضرت باقر علیه السلام است.^۵

ب. استاد دیگرش «اسماعیل بن خلیفه»^۶ (متولد ۸۴ق) است^۷ که در زمان رحلت امام باقر علیه السلام (سال ۱۱۴ق)^۸ سی ساله بوده است. پس اسماعیل بن ابان می‌تواند از اصحاب حضرت باقر علیه السلام روایت کند.

ج. استاد دیگرش «عبدالرحمن»، نواده حنظله غسیل الملائکه است که در زمان رحلت امام باقر علیه السلام، حدوداً ۵۰ سال داشته و بیش از یکصد سال عمر کرده^۹ و حدود سال ۱۷۲ق فوت کرده است.^{۱۰}

۱. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۴.
۲. طوسی، رجال، ص ۱۶۷، رقم ۱۹۳۸.
۳. برای نمونه: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۷۱؛ همان، ج ۸، ص ۵، ح ۹.
۴. مزّی، تهذیب الکمال، ج ۳، صص ۵-۶، رقم ۴۱۱.
۵. نجاشی، رجال، ص ۱۷۰. مقرر: از او تنها در کافی، ده‌ها روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده است.
۶. مزّی، تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۷۷.
۷. بستی، المجروحین، ج ۱، ص ۱۲۴.
۸. کاتب بغدادی، تاریخ أهل البيت علیهم السلام، ص ۸۰؛ کلینی، الکافی، ج ۱، صص ۴۶۹ و ۴۷۲؛ ابن نعمان، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۵۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۷.
۹. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۶۷۸؛ ر.ک: همو، سیر أعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۲۴.
۱۰. جرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۵، ص ۴۶۳؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۴۴.

ولادت بقیه مشایخ اسماعیل بن ابان در دست نیست؛ ولی وفات بقیه مشایخ او بین سال‌های ۱۵۳ تا ۱۷۵ قمری است^۱، که روایت همه اینها از امام باقر علیه السلام امکان عرفی دارد. پس نقل بدون واسطه اسماعیل بن ابان از اصحاب امام باقر علیه السلام نیز امکان عرفی دارد و بلکه ایشان بدون واسطه از ابوالجارود، زیاد بن منذر، روایت نقل کرده، که از اصحاب امام باقر علیه السلام است.

پس از اینکه امکان نقل روایت برقی با واسطه اسماعیل بن ابان از اصحاب امام باقر علیه السلام ثابت شد، نقل روایت او با واسطه «محمد بن یحیی الخزاز» نیز از اصحاب امام باقر علیه السلام ممکن خواهد بود.

دلیل دوم: طبق مشیخه فقیه^۲، احمد بن محمد بن عیسی با یک واسطه (اسماعیل بن بزیع یا محمد بن یحیی خزاز) از غیاث بن ابراهیم روایت کرده، و از آنجا که احمد بن محمد بن عیسی وفات برقی را در سال ۲۸۰ ق درک کرده^۳، نقل روایت او با یک واسطه از اصحاب حضرت باقر علیه السلام ممکن نیست؛ پس این غیاث بن ابراهیم غیر از آن غیاثی است که از اصحاب حضرت باقر علیه السلام است.^۴

حق آن است که از ناحیه نقل احمد بن محمد بن عیسی اشکالی وارد نیست، و از نقد دلیل اول، نقد این دلیل نیز روشن می‌شود.

اشکال نخست: هر چند احمد بن محمد بن عیسی پس از برقی از دنیا رفته^۵، ولی بعید نیست که تولدش پیش از برقی باشد^۶؛ پس نقل روایت او نیز از اصحاب باقر علیه السلام با یک

مقرر: در مورد عمر او اختلاف است اما ظاهراً کمتر از ۹۰ سال گزارش نشده است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۲۴؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۶۷۸).

۱. مقرر: مانند «معاویة بن عمار الدهنی» که او نیز از مشایخ اسماعیل است (مزّی، تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۵، رقم ۴۱۱). او متوفای سال ۱۷۵ قمری است (نجاشی، رجال، ص ۴۱) و از امام باقر علیه السلام نیز نقل کرده است (صدوق، الأمالی، ص ۱۴۵، ح ۱۶؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۴۴، ح ۱۹).

۲. صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۰.

۳. حلی، خلاصة الأقوال، ص ۱۴.

۴. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

۵. حلی، کتاب الرجال، ص ۴۰.

۶. مقرر: از شواهد این مطلب آن است که اولاً، احمد بن محمد بن خالد از احمد بن محمد بن عیسی متعدد روایت نقل کرده است (به عنوان نمونه ر.ک: برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۸۴، ح ۱۹؛ همان، ص ۱۲۵،

واسطه ممکن است.

اشکال دوم: احمد بن محمد بن عیسی با یک واسطه (محمد بن سنان) از ابوالجارود - از اصحاب امام باقر علیه السلام - روایت می‌کند.^۱

اشکال سوم: «احمد بن محمد بن عیسی» چند بار از «حماد بن عیسی» روایت نقل می‌کند، و حماد جزء مشاهیر راویان امام صادق علیه السلام است؛^۲ چون امام صادق علیه السلام از اصحاب پدر خویش است، پس نقل روایت احمد بن محمد بن عیسی با یک واسطه (حماد بن عیسی) از اصحاب امام باقر علیه السلام، ممکن است؛ علاوه بر اینکه حماد بن عیسی از پنج نفر از فقیهان طبقه نخست اصحاب امام باقر علیه السلام، یعنی محمد بن مسلم^۳، ابوبصیر^۴، فضیل بن یسار^۵، و معروف بن خربوذ^۶ روایت نقل کرده است.

دلیل سوم: دلیل روشن‌تر از ادله پیشین، این است که حمید در طبقه شاگردان برقی بوده

ح ۱۴۳؛ همان، ص ۲۶۹، ح ۳۵۸). ثانیاً، احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر و حسن بن علی و شاء حدود ده برابر احمد برقی حدیث نقل کرده است.

۱. مقرر: در کافی، ۱۷ روایت از روایات ابوالجارود چنین است.

۲. مقرر: در کافی، ۴۲ روایت توسط احمد از حماد نقل شده است.

۳. کشی، رجال، ص ۳۷۵، رقم ۷۰۵.

۴. صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱؛ خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۳۱۰؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۴؛ همان، ص ۱۴۶، ح ۲۹.

۵. قمی، تفسیر القمی، ج ۱، صص ۳۵۹ و ۳۶۴.

مقرر: در تبیین وجه استشهاد به این دو مورد از تفسیر قمی باید گفت آنچه در این کتاب در سند آمده عبارت است از: «حدیثی آبی عن حماد عن ابي بصير»؛ و ابراهیم بن هاشم راوی از حماد بن عیسی است نه حماد بن عثمان.

ممکن است گفته شود به روایتی از تأویل الآيات الظاهرة (ص ۵۳۹) نیز می‌توان استشهاد کرد: و قال أيضا حدثنا الحسين بن أحمد المالكي عن محمد بن عيسى عن يونس بن خلف بن حماد بن عيسى عن أبي بصير قال: «ذكر أبو جعفر عليه السلام الكتاب الذي تعاقدوا عليه في الكعبة...»؛ ولی این استشهاد درست نیست؛ زیرا «یونس بن مصحف» «یونس بن عثمان» است. «خلف بن حماد» نیز غلط است و یا «خلف بن حماد» بوده که در این صورت یا «بن عیسی» زائد است و یا «خلف بن حماد عن حماد بن عیسی» بوده - که بسیار مستبعد است - و یا «خلف» زاید است؛ در حالی که یونس از حماد بن عثمان روایت نقل می‌کند نه حماد بن عیسی؛ بنابراین نمی‌توان به این سند اتکا کرد.

۶. صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۳۲.

۷. طبری، دلائل الإمامة، ص ۵۳۳، ح ۱۱۷/۵۱۳؛ ر.ک: صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۸۵، ح ۱۱؛ همان، ص ۸۶، ح ۱۳.

و متوفای سال ۳۱۰ ق است.^۱ برقی نیز کتاب غیاث را با یک واسطه (الحسن بن علی اللؤلؤی) نقل کرده است.^۲ وقتی برقی نتواند با یک واسطه از اصحاب الباقر علیه السلام نقل کند، به طریق اولی حمید نیز نمی‌تواند.^۳

دلیل سوم محقق خوبی نیز با اشکالاتی مواجه است.

اشکال نخست: روایات حمید مشتمل بر مراسیل فراوان است^۴ و با نقل حمید، نمی‌توان طبقات را تعیین کرد.

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۳۲.

۲. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.

۳. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۴. مقرر: بر اساس تحقیقات استاد سید محمدجواد شبیری درباره منقولات حمید بن زیاد که مورد تأیید استاد علیه السلام قرار گرفته، اسناد مربوط به منقولات حمید در کتاب فهرست شیخ به دلیل سقط فراوان، برای تشخیص طبقات روات، اعتباری ندارد و اصل عقلایی عدم خطا در چنین منقولاتی جاری نیست. توضیح مطلب اینکه بسیاری از منقولاتی که از کتاب حمید در فهرست شیخ نقل شده، دچار سقط است و این سقط در فاصله بین استادان حمید و صاحب کتابی که طریق برای کتابش وارد شده، رخ داده است. با ملاحظه اسناد مشابه در کتب دیگر مثل رجال نجاشی و اسناد روایات می‌توان به این سقطها دست یافت. اما منشأ این اشکال در خصوص فهرست شیخ، شاید روش نگارش کتاب حمید باشد - نه اینکه در کتاب حمید اشتباهی باشد؛ به جهت اینکه در رجال نجاشی منقولات از کتاب حمید بدون سقط موجود است - ؛ به این معنی که ممکن است حمید یا شخص دیگری منقولاتش را از مشایخ مختلف در یک جا جمع کرده، اما تعبیرش مبهم بوده است؛ مثلاً در کتابش، کتاب‌هایی را که استادش قاسم بن اسماعیل نقل کرده بیان کرده اما این نوشته وی، موهم این امر شده که قاسم بن اسماعیل این کتاب‌ها را به طور مستقیم نقل کرده؛ در حالی که مقصود حمید چنین نبوده است؛ بلکه مرادش این بوده که فهرست کتاب‌هایی که در کتابخانه قاسم بوده چنین است؛ همچنین است کتاب‌های کتابخانه سایر استادانش. اما شیخ طوسی در گرفتن مطلب از کتاب حمید، نقل مستقیم را برداشت کرده و از این رو سندها را معنعن نقل کرده است؛ بنابراین، شاید شیخ طوسی به اصل کتاب حمید دسترسی نداشته و فقط چکیده‌ای از فهرست حمید، یا اجازه‌ای که برگرفته از این فهرست بوده در اختیار داشته است.

البته احتمال دومی هم وجود دارد و آن این است که مراد شیخ طوسی از معنعن آوردن، اعم از نقل مستقیم و غیر مستقیم است؛ اما این احتمال دور از ذهن است و ظهور «عن» در نقل مستقیم است؛ اگرچه صریح نیست. با توجه به مطلب فوق، در مقام نیز نمی‌توان به نقل حمید از «الحسن بن علی اللؤلؤی» تکیه کرد (طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱: «غیاث بن ابراهیم؛ له کتاب، أخبرنا به جماعة... و رواه حمید عن الحسن بن علی اللؤلؤی عنه») و چنین استدلال کرد که حمید با واسطه وی از غیاث بن ابراهیم نقل کرده و نتیجه‌گیری کرد که غیاث در جایگاه استاد حمید است؛ زیرا گفته شد که به علت سقط فراوان در اسناد فهرست شیخ که از حمید نقل شده، اصل عدم خطا جاری نیست.

اشکال دوم: بین وفات حمید (سال ۳۱۰ق) و رحلت امام باقر علیه السلام (سال ۱۱۴ق)، ۱۹۶ سال فاصله است و اگر حمید بخواهد با دو واسطه از امام باقر علیه السلام نقل کند که واسطه نخست، حسن بن علی اللؤلؤی و واسطه دوم غیاث بن ابراهیم است، باید به طور متوسط فاصله وفات هر راوی با وفات مروی عنه حدود ۶۵ سال باشد، و نقل کردن با چنین فاصله‌ای هر چند وفور نداشته و دور از ذهن باشد، ولی غیر ممکن نیست؛ چنان‌که اسناد عالیله دارای واسطه کمتری هستند و در بین سندهای عالی چنین امری متعارف است.

اصطلاح علو سند در روایت به معنای کمی واسطه است و منشأ آن این است که شخصی در اوایل جوانی - مثلاً ۲۰ سالگی - حدیثی را شنیده و در پیری - مثلاً ۸۰ یا ۸۵ سالگی - آن را به شاگردش بازگو می‌کند و به همین ترتیب. البته نقل کردن با دو واسطه از محدثی که دو بیست سال پیش از ناقل فوت شده، در سندهای عادی درست نیست؛ ولی در میان سندهای عالی، امری متعارف و معمولی است؛ پس این موارد را نباید غیر ممکن دانست، بلکه باید تعبیر «بعید است» به کار برد. البته در سندهای غیر متعارف، گاهی با دو واسطه محدثی از راوی دیگری که هزار سال پیش فوت شده نقل می‌کند؛ زیرا مثلاً یکی از راویان، جن است.^۱

دلیل چهارم: طبق آنچه در فهرست^۲ آمده علی بن ابراهیم با یک واسطه (زیدان بن عمر) از غیاث، نقل می‌کند، و نقل روایت او با یک واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام ممکن نیست.^۳ محقق خوبی درباره ریشه این دلیل سخنی به میان نیاورده، اما علتش این است که علی بن ابراهیم بن هاشم در سال ۳۰۷ق زنده بوده است^۴ (البته تاریخ وفات وی در دست نیست)؛ بنابراین، با حمید که تاریخ وفاتش ۳۱۰ق بوده، تقریباً نزدیک است و وقتی حمید و افراد هم طبقه مشایخ حمید، مانند برقی و احمد بن محمد بن عیسی، نتوانند با یک واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام روایت نقل کنند، قهراً علی بن ابراهیم که هم طبقه با حمید است و یک طبقه از برقی و احمد بن محمد بن عیسی متأخر است، به طریق اولی نمی‌تواند با یک واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام نقل کند.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۲۳.

۲. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵.

۳. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۴. صدوق، الأمالی، ص ۶۱۰، ح ۷.

دلیل چهارم ایشان نیز دارای اشکالاتی است:

اولاً، علی بن ابراهیم بن هاشم هم طبقه با حمید است^۱، و نقل روایت حمید با دو واسطه از حضرت باقر علیه السلام ممکن است، که توضیح آن در نقد دلیل سوم گذشت. ثانیاً، آن علی بن ابراهیم که در طریق کتاب غیاث واقع شده «علی بن ابراهیم بن المعلی» است، نه «علی بن ابراهیم بن هاشم» که در سال ۳۰۷ ق زنده بوده است. طریق فهرست چنین است: «أخبرنا به أحمد بن محمد بن موسى عن ابن عقدة عن الحسين بن حمدان عن علي بن إبراهيم بن معلی عن زيدان بن عمر، قال حدثنا غياث بن إبراهيم»^۲. با توجه به طبقه و مشایخ ابن عقده، هیچ مانعی ندارد ایشان با سه واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام نظیر غیاث روایت کنند؛ بلکه با دو واسطه هم می‌تواند روایت نقل کند. بنابراین، حق با صاحب قاموس الرجال است که نقل غیاث راوی از امام صادق علیه السلام را از امام باقر علیه السلام ممکن دانسته است.

تحقق نقل غیاث راوی امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام

در بخش پیشین، نقل غیاث راوی از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام را ممکن دانستیم؛ اما در عین حال باید گفت غیاث بن ابراهیم، راوی پر روایتی است^۳ و بعید است که زمان امام باقر علیه السلام را درک کرده باشد و در عین حال از ایشان روایتی را نقل نکرده باشد. در هیچ کدام از کتب حدیثی موجود، حتی یک نمونه یافت نشد که غیاث از آن حضرت روایت نقل کرده باشد. لذا گمان می‌رود که غیاث راوی امام صادق علیه السلام، زمان امام باقر علیه السلام را درک نکرده است. این نکته نیز قابل توجه است که محقق خویی می‌گوید: روایات غیاث منحصر به امام صادق علیه السلام است و به روایتی از امام کاظم علیه السلام دست نیافتیم، و سخن شیخ طوسی در مورد



۱. مقرر: در کافی، علی بن ابراهیم با ۲ تا ۶ واسطه از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده و حمید نیز با ۳ تا ۶ واسطه روایت نقل کرده است. علی بن ابراهیم تا سال ۳۰۷ ق زنده بوده است (صدوق، الأمالی، ص ۶۱۰، ح ۷)، وفات حمید نیز ۳۱۰ ق بوده است.
۲. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵.
۳. تنها در کافی شریف بیش از ۶۰ روایت از وی نقل شده است. در کتب شیخ صدوق نیز چنین است.

غیاث ابن ابراهیم که می‌گوید «روی عن أبي الحسن علیه السلام»^۱ نامأنوس می‌نماید.^۲ به نظر می‌رسد این‌گونه نیست و محقق خوبی ظاهراً به دلیل مراجعه نکردن به کتب دیگر غیر از کتب اربعه، چنین قضاوتی کرده است؛ بلکه می‌توان گفت سخن ایشان در انحصار تمامی روایات غیاث از حضرت صادق علیه السلام، غریب است؛ زیرا اولاً، ممکن است گفته شود غیاث غیر از امام صادق علیه السلام از گروهی از مشایخ نیز روایاتی دارد؛^۳ مانند: ۱- ابو حمزه، ثابت بن دینار،^۴ ۲- حسین بن زید، فرزند زید شهید،^۵ ۳- خارجه بن مصعب،^۶ ۴- صاعد بن مسلم،^۷ ۵- اسماعیل بن ابی‌زیاد.^۸ ۹- بنابراین روایات وی در روایت از امام صادق علیه السلام منحصر نیست. ثانیاً، عجیب‌تر این است که ایشان به‌خاطر اینکه روایت «غیاث» را از امام کاظم علیه السلام در کتب اربعه نیافته، سخن شیخ را از غریب می‌پندارد؛ در حالی که نجاشی نیز مدعی همین سخن شیخ است؛^{۱۰} اما وقتی تنها شیخ طوسی غیاث را در اصحاب امام باقر علیه السلام آورده،^{۱۱} آقای خوبی هیچ‌گونه استغرابی نکرد؛ در حالی که این مطلب از متفردات شیخ است؛ آن هم فقط در رجال، نه در فهرست، و از نظر طبقه نیز امری دور از ذهن است.



۱. طوسی، رجال، ص ۲۶۸، رقم ۳۸۵۳.
۲. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۲.
۳. مقرر: هیچ‌یک از این نمونه‌ها، روایات مربوط به امام صادق علیه السلام نیست.
۴. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۶۵؛ صدوق، الأمالی، ص ۲۶۹، ح ۱۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۵، ح ۵۳.
۵. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۲، ح ۴۸.
۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۳، ح ۶۸؛ مفید، الأمالی، ص ۶۶، ح ۱۲.
۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۹۳.
۸. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۳.
۹. البته در برخی مصادر (مانند: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۷۷؛ همان، ج ۸۱، ص ۲۳۸، ح ۱۹)، روایت غیاث بن ابراهیم از اسحاق بن عمار نیز آمده است؛ ولی در این نقل اشتباهی رخ داده و صحیح آن «غیاث بن کلوب عن إسحاق بن عمار» است.
۱۰. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳.
۱۱. طوسی، رجال، ص ۱۴۲.

مذهب غیاث بن ابراهیم تمیمی

شیخ طوسی^۱ و نجاشی^۲ در رجال، غیاث بن ابراهیم تمیمی را از اصحاب حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام معرفی کرده‌اند. همچنین نجاشی وی را توثیق کرده که معلوم می‌شود غیاث بن ابراهیم تمیمی مورد بحث ما، در نظر وی «بتری» نبوده، در حالی که شیخ طوسی غیاث بن ابراهیم را از اصحاب حضرت باقر علیه السلام شمرده و وی را «بتری» دانسته است.^۳

بتریان از عامه هستند؛ زیرا در فرقه زیدیه، گروه جارودیه شیعه‌اند^۴، و گروه بتریه از عامه‌ای هستند، که امیرالمؤمنین علیه السلام را برترین صحابه می‌دانند و بر این باورند که خلافت، حق ایشان، ولی قابل انتقال به دیگری بوده، و حضرت بر اساس مصالحی حق خود را به ابوبکر تفویض کرده و خلافت او قانونی و شرعی بوده است.^۵ بسیاری از سرشناسان عامه، بتری هستند.^۶

پیش‌تر بیان شد که غیاث بن ابراهیم بتری غیر از غیاث مورد بحث در اسناد روایی منابع امامی است؛ اما به چه دلیل، غیاث مورد بحث - یعنی غیاث بن ابراهیم تمیمی راوی از امام صادق علیه السلام -، امامی است؟ چه دلیلی وجود دارد که وی عامی یا از سایر فرق شیعه نباشد؟ محقق مامقانی با دقت در روایات غیاث، به امامی بودن او باور دارد؛ چون صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام روایتی را از غیاث در معنای حدیث ثقلین نقل کرده، که حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «... أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَيْمَةُ النَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ ...»^۷ و در خصال نیز از غیاث روایتی را نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «... وَ كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا وَ



۱. همان، ص ۲۶۸، رقم ۳۸۵۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳.

۳. طوسی، رجال، ص ۱۴۲، رقم ۱۵۴۲.

۴. تعبیر «شیعه» با «امامی» متفاوت است و مراد در اینجا کسانی هستند که خلافت بلا فصل علی علیه السلام را پذیرفته‌اند. جارودیه نیز چنین خصوصیتی دارند. از این‌رو درباره آنها تعبیر «شیعه» به کار رفته است (نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۲۱؛ سمعانی، الأنساب، ج ۳، ص ۱۶۸؛ حلی، المختصر النافع، ج ۱، ص ۱۵۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۷، صص ۲۹-۳۰).

۵. اشعری، مقالات الإسلامیین، ص ۶۸؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸؛ حمیری، الحور العین، ص ۱۵۵.

۶. کشی، رجال، صص ۲۳۲-۲۳۳؛ همان، ص ۳۹۰؛ صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۴؛ نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۵۷.

۷. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۵.

اثنًا عَشَرَ مِنْ بَعْدِي مِنَ السُّعَدَاءِ...»^۱؛ بنابراین، امامی بودن وی ثابت می‌شود.^۲

ادله عامی بودن غیاث

صاحب قاموس الرجال شواهدی را در رد سخن مامقانی مطرح کرده^۳ که در ادامه بررسی می‌شود:

شاهد نخست: بیشتر راویان، در هر دو بابی^۴ که صدوق این دو روایت را نقل کرده، غیر امامی هستند.^۵ البته باید در نظر داشت که گاهی راوی بی‌واسطه، امامی است و راویان پس از او عامی هستند؛ ولی با این حال روایت این راوی امامی را نقل کرده‌اند. برای نمونه علامه حلی به کتب عامه مانند صحیح بخاری سند دارد و اجازه روایت می‌دهد؛ در حالی که امثال ابوهریره را نمی‌پذیرد.^۶

شاهد دوم: دو مؤید برای عامی بودن غیاث هست^۷: الف: او از حضرت صادق علیه السلام تعبیر «جعفر» کرده است. ب: چون حضرت وی را از عامه می‌دانسته‌اند، برای سخن خودشان با ذکر آباء خود، سند آورده‌اند.

در پاسخ به این اشکال باید در نظر داشت که اگر از امام صادق علیه السلام، به «جعفر» تعبیر شده، به این دلیل است که در دوره ائمه علیهم السلام تقید به تعبیرات دیگر مستحکم نشده بود؛ بلکه تا زمان شیخ طوسی نیز بسیاری از اوقات، اسم مبارک امامان بدون «علیه السلام» آورده می‌شد؛ چنان‌که در نسخه‌ای از تهذیب که با نسخه اصل مقابله شده، بر روی بسیاری از «علیه السلام» ها قلم گرفته شده است. افزون بر آن، در اکثر روایات غیاث، تعبیر «أبا عبدالله» آمده است.

پیشترها

پانزدهم، شماره ۵، سال ۱۴۰۱

۱. همو، الخصال، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۳۹.
۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ق ۱، ص ۳۶۷.
۳. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۳.
۴. باب نخست: صدوق، الخصال، ج ۲، صص ۴۵۶-۴۹۳، أبواب الإثني عشر، باب دوم؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۴۰-۶۹، باب النصوص علی الرضا علیه السلام بالإمامة فی جملة الأئمة الإثني عشر علیهم السلام.
۵. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۳.
۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۴.
۷. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۳.

نقل سند برای روایات امام صادق علیه السلام نیز شاهد امامی نبودن غیاث نیست؛ زیرا گاهی امام علیه السلام در بیان احکام، برای برخی از امامیه که بیشتر با عامه در ارتباط بودند، سند خودشان را ذکر می‌کردند. گاهی نیز خود راوی امامی، برای آنکه مخاطبانش بپذیرند، سند عمومی ائمه را در آغاز روایات آنها اضافه می‌کرده است. افزون بر آن، سند یاد شده برای سخن امام صادق علیه السلام در روایات غیاث، به مثابه نقل عامه نیست؛ چون در سند بخشی از روایاتش، حضرت صادق علیه السلام، از حضرت باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده، و سند بین امام باقر علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نشده است.^۱ در گروهی دیگر از روایات غیاث نیز، سند به حضرت امیر علیه السلام منتهی شده، نه به پیامبر صلی الله علیه و آله.^۲

شاهد سوم: در رجال شیخ عنوان غیاث بن ابراهیم در میان اصحاب حضرت باقر علیه السلام که عامی و بتری است، مطرح شده و محتمل است غیاث مورد بحث همو باشد؛ پس محتمل است غیاث غیر امامی باشد.^۳

البته مطلب فوق، گرفتار دور منطقی است؛ چون دلالت هر دلیلی باید با چشم‌پوشی از ادله دیگر، تمام باشد؛ در حالی که احتمال اتحاد متوقف است بر اینکه محتوای روایات نقل‌شده مامقانی - که در خصال و عیون بود^۴ - بر امامی بودن غیاث دلالت نکند، و ایشان عدم دلالت را با احتمال اتحاد ثابت کرده است و این، دور از ذهن است؛ زیرا اگر با صرف نظر از دلیل نخست و دوم ایشان، بپذیریم روایتی که صدوق در خصال و عیون از غیاث نقل کرده، بر امامی بودن غیاث دلالت می‌کند، به هیچ وجه احتمال اتحادش با غیاث بن ابراهیم بتری مطرح نیست، و این احتمال در صورتی مطرح می‌شود که با مناقشه در سخن مامقانی، روایت صدوق، دلیل امامی بودن او نباشد.



۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۰۸، ح ۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۸۰، ح ۷۶.
 ۲. به عنوان نمونه: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۳۲، ح ۱۰؛ همان، ص ۵۳۸، ح ۳ و ۴؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۲، ح ۱؛ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۱۸۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۲۱؛ همان، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۹۰؛ همان، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۳۲؛ همان، ج ۴، ص ۱۹۹، ح ۱۰؛ همان، ص ۲۱۴، ح ۳۰؛ همان، ص ۲۷۵، ح ۶؛ همان، ج ۵، ص ۲۰۳، ح ۱۴؛ همان، ص ۴۴۲، ح ۱۸۵؛ همان، ج ۶، ص ۱۹۰، ح ۲۹؛ همان، ص ۲۵۶، ح ۷۶ و ۷۸؛ همان، ص ۲۸۰، ح ۱۷۵.
 ۳. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۳.
 ۴. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۵؛ همو، الخصال، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۳۹.

ادله امامی بودن غیاث

دلایلی بر امامی بودن غیاث در دسترس است که در ادامه بیان می شود:
دلیل نخست: با ملاحظه مفاد برخی روایات غیاث می توان امامی بودن وی را ثابت کرد؛
برای نمونه:

۱. غیاث بن ابراهیم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين عن أبيه الحسين بن علي عليه السلام قَالَ: «سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي مَنِ الْعِتْرَةُ فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَيْمَةُ السَّعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَّتُهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَوْضَهُ».^۲

۲. غیاث بن ابراهیم عن ثابت بن دینار عن سعد بن طریف عن سعید بن جبیر عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب عليه السلام: «يا علي! أنا مدينة الحكمة و أنت بابها و لن تُؤتى المدينة إلا من قبل الباب فكذب من زعم أنه يجيبي و يبعضك لأنك مني و أنا منك لحملك من لحمي ... و أنت إمام أمتي و خليفتي عليها بعدي ... مثلك و مثل الأئمة من ولدك بعدي مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق ...».^۳

۳. غیاث بن ابراهیم عن جعفر بن محمد عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أنا سيد الناس و لا فخر و علي سيد المؤمنين اللهم وال من والاه و عاد من عاداه ...».^۴

۴. غیاث بن ابراهیم عن الصادق عن أبيه عن جده عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «... نَظَرْتُ فِي السَّمَاوَاتِ كُلِّهَا فَلَمَّا رَأَيْتُ رَأَيْتُكَ يَا عَلِيُّ فَاسْتَعْفَزْتُ لَكَ وَ لِسَبِيْعَتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».^۵

۱. مقرر: روایات فوق از طرق مختلف به غیاث نسبت داده شده و احتمال انتساب دروغین به غیاث منتفی است؛ بنابراین بررسی سندی نیاز ندارد؛ زیرا اجمالاً اطمینان به صدور برخی از این روایات وجود دارد. علاوه بر اینکه روایت نخست صحیح است و سند روایت دوم تا غیاث نیز معتبر است.
۲. صدوق، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۴۷، ح ۱۱۰.
۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۶۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۵، ح ۵۳.
۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، صص ۳۲۲-۳۲۳، ح ۳۳.
۵. همان، ج ۶۵، ص ۳۸، ح ۸۰.

در روایت نخست، ولایت و امامت امامان دوازده‌گانه، در تفسیر حدیث ثقلین مطرح شده است. در روایت دوم نیز به روشنی خلیفهٔ پس از پیامبر، و امام امت اسلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام معرفی شده است. در روایت سوم نیز آن حضرت سید و آقای مؤمنان معرفی شده‌اند. طبق مفاد روایت چهارم نیز برای شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام جایگاهی خاص بازگو شده است. دلیل دوم: در بیشتر روایات غیاث، از نام مبارک حضرت علی علیه السلام تعبیر به امیرالمؤمنین شده؛ نظیر «قال أمير المؤمنين»^۱ و «نهی امیر المؤمنین»^۲. روشن می‌شود که از نظر راوی، «امیرالمؤمنین»، متعدّد نبوده که بدون مشخصه یاد کرده، و این امر اختصاص به امامیه دارد که اصطلاح امیرالمؤمنین در فرهنگ آنها از القاب خاصّ حضرت علی علیه السلام است؛ بلکه می‌توان ادعا نمود که این عنوان برای حضرت، علم شده است که چنین تعبیری بین عامه، معمول نیست. البته این شاهد فقط مؤید است؛ زیرا بسیاری از این تعبیرات در روایات، نقل به معنا شده، و تعبیر اصلی محفوظ نمانده است.

دلیل سوم: نجاشی در مورد غیاث، به «ثقة»^۳ تعبیر کرده، و «ثقه» به‌طور مطلق، در سخن نجاشی و شیخ و امثال ایشان دلیل امامی بودن نیز هست؛ زیرا ثقه به معنای مورد اعتماد و اطمینان بودن از نظر جهات دخیل در اعتبار روایت است که یکی از آن جهات، مذهب راوی است؛ پس ثقه، از نظر دیدگاه و باور مورد اعتماد است؛ البته چون دلالت «ثقه» بر مذهب راوی، به اطلاق است نه دلالت وضعی، منافاتی ندارد به نحو مقید «واقفی ثقة» یا «فطحی ثقة» بیان شود.

علاوه بر این، نجاشی خود تصریح می‌کند که در فهرست، بنایش بر آوردن تمام دانسته‌هایش دربارهٔ درستی یا فساد مذهب مؤلفین است.^۴ از آنجا که «غیاث»، فراوان نقل روایت می‌کند و کتابش را گروهی از امامیه نقل کرده‌اند، و از نظر زمانی نیز به دورهٔ نجاشی و شیخ نزدیک است، بسیار دور از ذهن است که مذهب او برای نجاشی یا شیخ مخفی مانده باشد، یا آنان با وجود اطلاع از مذهب او، در کتاب رجالشان تذکری ندهند؛ با اینکه

۱. برای نمونه: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۲، ح ۵.

۲. برای نمونه: کلینی، الکافی، ج ۳، صص ۶۲-۶۳، ح ۶.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵.

۴. همان، ص ۲۱۱.

وی شخصی پر روایت بوده و کتاب او را جماعتی نقل کرده‌اند.^۱
 دلیل چهارم: محقق شوشتری^۲ می‌گوید: کلینی در دو باب از ابواب کافی، روایت «غیاث» را آورده، ولی روایات معارضش را که از طریق امامیه بوده، و در کتاب‌های معروفی نقل شده که در دست کلینی بوده، نقل نکرده است.^۳ این عملکرد کلینی، نشان دهنده اعتماد او بر غیاث است؛ زیرا بسیار مستبعد است کلینی روایات عامه را نقل کند، ولی روایات امامی معارض و مقابل آن را نقل نکند.

در توضیح سخن ایشان می‌توان گفت: کلینی در بسیاری از قسمت‌های کافی، روایاتی را که مورد فتوایش نبوده، نقل نکرده است؛ مثلاً در حدّ سفر شرعی، فقط روایات چهار فرسخ را آورده^۴، و روایات هشت فرسخ را که در کتاب‌های در اختیار کلینی نیز وجود داشته^۵، نیاورده است. اگر غیاث امامی نباشد، عادتاً بعید است به دیدگاه غیاث عامی اعتماد کرده، و روایت

۱. همان، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳؛ طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.

۲. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

۳. این دو روایت و معارض آن عبارت است از:

روایت نخست: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۱۴: علي بن ابراهيم عن ابيه عن عبد الله بن المغيرة عن غياث بن ابراهيم قال: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَوْ يَعُودُ فَيَرْكَعُ إِذَا أَبْطَأَ الْإِمَامُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ قَالَ لَا».

روایت معارض: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، صص ۴۷-۴۸، ح ۷۵: سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن محمد بن سهل الأشعري عن ابيه عن أبي الحسن الرضا ع قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَمَّنْ رَكَعَ مَعَ إِمَامٍ يَقْتَدِي بِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ قَالَ يُعِيدُ رُكُوعَهُ مَعَهُ».

روایت دوم: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۶: علي بن ابراهيم عن ابيه عن عبد الله بن المغيرة عن غياث بن ابراهيم عن ابي عبد الله ع قَالَ: «لَا بَأْسَ بِالْغُلَامِ الَّذِي لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ أَنْ يَوْمَ الْقَوْمِ وَأَنْ يُؤَدِّنَ».

روایت معارض: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۹، ح ۱۵: روى محمد بن أحمد بن يحيى عن الحسن بن موسى الخشاب عن غياث بن كلوب عن إسحاق بن عمار عن جعفر عن ابيه ع أَنَّ عَلِيًّا ع كَانَ يَقُولُ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَدِّنَ الْغُلَامُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ وَلَا يَوْمٌ حَتَّى يَحْتَلِمَ فَإِنْ أُمَّ جَارَتْ صَلَاتُهُ وَفَسَدَتْ صَلَاةُ مَنْ خَلْفَهُ».

اما شاهد دوم صاحب قاموس درست نیست؛ زیرا روایت معارض آن روایتی است از غیاث بن کلوب که عامی است.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۳۲، ح ۱.

۵. مانند کتاب‌های حسین بن سعید، محمد بن احمد بن يحيى (مانند، نوادر الحكمة)، صفار و کتاب سعد بن عبد الله، که روایات هشت فرسخ در آن آمده است؛ ر.ک: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۲۲، ح ۲۵؛ همان، صص ۲۲۵-۲۲۶، ح ۳۶ و ۳۷ و ۳۸.

معارض امامی را به هیچ وجه نقل نکرده باشد؛ پس کلینی غیاث را امامی می دانسته است. دلیل پنجم: غیاث، مروی عنہ «ابن ابی عمیر» است^۱ و بر اساس شهادت شیخ طوسی، همه کسانی که ابن ابی عمیر از آنها نقل کرده، ثقه هستند.^۲ ثقه به صورت مطلق، بر امامی بودن رهنمون است. جعفر بن بشیر نیز مانند ابن ابی عمیر فردی است که جز از ثقه نقل نمی کند^۳ و استدلال اخیر درباره مروی عنہ او نیز جاری است و جعفر در روایات صحیح، از غیاث بن ابراهیم تمیمی نقل روایت کرده است.^۴

به جز دلیل دوم، سایر ادله به تنهایی برای امامی بودن غیاث کافی است، چه رسد به مجموع آنها که قطعاً اطمینان آور است؛ بنابراین در مجموع غیاث بن ابراهیم، امامی است.

وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی

با در نظر گرفتن دلیل سوم تا پنجم از ادله امامی بودن غیاث، وثاقت وی نیز ثابت است. افزون بر آن، کتاب غیاث را گروهی از امامیان روایت کرده اند.^۵ همچنین بزرگانی مانند شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی، با اینکه به لحاظ زمانی، نزدیک به غیاث بن ابراهیم بوده و با توجه به نقل روایات بسیار، او را می شناخته اند، اما در هیچ کجا روایتی را به جهت وجود غیاث در سند، رد نکرده اند.^۶ محمد بن یحیی خزاز نیز که از بزرگان و اجلاء است^۷، روایات فراوانی از وی نقل کرده و راوی کتاب اوست^۸ که نشان از اعتماد به وی دارد.



۱. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳۲؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۵؛ همو، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۱۳، ح ۴۷؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۰۳.
۲. طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۵۴.
۳. نجاشی، رجال، ص ۱۱۹.
۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۶۱، ح ۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۹۰، ح ۷.
۵. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳؛ طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.
۶. برای نمونه، ر.ک: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۳؛ همان، ج ۳، ص ۴۷، ح ۷۶؛ همان، ج ۶، ص ۲۵۶، ح ۷۸؛ همان، ص ۲۶۵، ح ۱۱۴؛ همان، ج ۷، ص ۲۰، ح ۴؛ همان، ص ۴۲۶، ح ۱۱؛ همان، ج ۸، ص ۲۱، ح ۴۳.
۷. نجاشی، رجال، ص ۳۵۹، رقم ۹۶۴.
۸. طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.

تمییز روایان مشترک در نام «غیاث»

در اسناد روایی گاه «غیاث»، بدون «بن ابراهیم» آمده است و ممکن است گفته شود شاید وی «غیاث بن کلوب» است که فردی عامی است و در فهرست نجاشی و فهرست شیخ توثیقی نشده است^۱؛ ولی مثل حسن بن موسی خشاب که از بررگان اصحاب است، فراوان از او روایت نقل کرده و با واسطه وی کتاب اسحاق بن عمار را نقل کرده، و این نشانه اعتماد به اوست. شیخ در عده نیز او را از ثقات عامه که اصحاب به روایات او اخذ و عمل کرده‌اند به‌شمار آورده است.^۲ ولی در هر حال عمده روایات غیاث بن کلوب، روایاتی است که حسن بن موسی خشاب از او نقل می‌کند و او کتاب اسحاق بن عمار را نقل می‌کند^۳ و در اسناد روایی فراوان است. البته در یک سند به اشتباه، راوی از اسحاق بن عمار به جای غیاث بن کلوب، غیاث بن ابراهیم معرفی شده^۴؛ در حالی که این روایت از کافی گرفته شده و در نسخ کافی، غیاث بدون هیچ قیدی آمده است.^۵

به نظر می‌رسد در باقی مواردی که غیاث به طور مطلق ذکر شده، مراد همان غیاث بن ابراهیم است که کتاب وی معروف بوده و گروهی آن را نقل کرده‌اند^۶؛ بر خلاف کتاب غیاث بن کلوب که چنین نبوده است.^۷

جمع بندی و نتیجه‌گیری

نتایج زیر حاصل مباحثی است که طی مقاله پیش‌رو به دست آمد:

۱. غیاث بن ابراهیم همان غیاث یادشده در اصحاب امام صادق علیه السلام، یعنی غیاث بن ابراهیم تمیمی عدنانی است که کنیه‌اش ابو عبد الرحمن، زادگاهش بصره و سکنايش کوفه

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم: ۸۳۴؛ طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم: ۵۶۲.

۲. طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۷۱، رقم: ۱۶۹.

۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴ ص ۱۹۵، ح ۷؛ صدوق، الأمالی، النص، ص ۶۲، ح ۳؛ همو، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۶، ح ۶۰؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۱۹.

۵. ر.ک: کلینی، کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۷، ص ۴۴۲، ح ۱۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۳؛ طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۱.

۷. نجاشی، رجال، ص ۳۰۵، رقم ۸۳۴؛ طوسی، فهرست، ص ۳۵۵، رقم ۵۶۲.

است. شخص دیگری با عنوان غیاث نخعی نیز هست که از قحطانیان است، کنیه اش ابو عبد الرحمن، و موطنش کوفه بوده است.

۲. گرچه امکان نقل غیاث تمیمی از امام باقر علیه السلام وجود دارد، ولی با عنایت به آنکه فردی پر روایت بوده، بعید است زمان امام باقر علیه السلام را درک کرده باشد و از آن حضرت روایتی نقل نکرده باشد.

۳. غیاث تمیمی از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز بوده و در غیر کتب اربعه از آن حضرت نقل روایت کرده است.

۴. غیاث تمیمی فردی امامی است و برخی روایات معتبر منقول از وی، جز با امامی بودن او سازگار نیست و در بیشتر روایات غیاث نیز، از نام مبارک حضرت علی علیه السلام تعبیر به امیرالمؤمنین شده است. ادعای نجاشی درباره وی نیز بدون اینکه اشاره به ضعف مذهب وی کند، بر امامی بودن وی دلالت می کند.

۵. غیاث تمیمی علاوه بر امامی بودن، شخصی ثقه است و ادله فراوانی بر وثاقت وی قابل اقامه است.

۶. مراد از غیاث بدون قید «بن ابراهیم» در اسناد روایی، غیاث بن ابرهیم تمیمی امامی است نه غیاث بن کلوب عامی؛ مگر در مواردی که از اسحاق بن عمار نقل روایت کرده باشد که در اغلب موارد نیز حسن بن موسی الخشاب، راوی از غیاث بن کلوب است.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اللباب فی تهذیب الأنساب، بیروت: دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن بابویه، شیخ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۶، ۱۳۷۶ش.
۳. _____، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۲ش.
۴. _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: انتشارات شریف رضی، چ ۲، ۱۴۰۶ق.
۵. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چ ۱، ۱۳۷۸ق.
۶. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، قم: انتشارات کتاب فروشی داوری، چ ۱، ۱۳۹۶ق.
۷. _____، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۸. _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۵ق.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: دار البشائر الإسلامیة، چ ۱، ۲۰۰۲م.



۱۰. ابن نعمان، شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: كنگره جهانی هزارة شیخ مفید، ج ۱، ۱۴۱۳ق.
۱۱. _____، الأمالي، قم: كنگره جهانی هزارة شیخ مفید، ج ۱، ۱۴۱۳ق.
۱۲. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۳ق.
۱۳. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۲۲ق.
۱۴. استرآبادی، محمدامین؛ موسوی عاملی، نورالدين، الفوائد المدتیة و بذیله الشواهد المکیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۲۶ق.
۱۵. اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، و بسادن: انتشارات فرانز شتاينر، ج ۳، ۱۴۰۰ق.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف عثمانی، ج ۱، [بی تا].
۱۷. برقی [منسوب به]، احمد بن محمد، كتاب الطبقات، چاپ شده ضمن «كتاب الرجال (ابن داوود حلّی)»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۴۲ش.
۱۸. _____، المحاسن، قم: انتشارات اسلامیة، ج ۲، ۱۳۷۱ق.
۱۹. بستی، محمد بن حبان، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، حلب: دار الوعی، ج ۱، ۱۳۹۶ق.
۲۰. _____، تاریخ الصحابة الذين روي عنهم الأخبار، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۰۸ق.
۲۱. بصری، احمد بن عبدالرضا، فائق المقال في الحديث و الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ج ۱، ۱۳۸۰ش.
۲۲. تقی الدین حلّی، حسن بن علی، کتاب الرجال، قم: الشریف الرضی، ج ۱، [بی تا].
۲۳. جرجانی، عبدالله بن عدی، الكامل في ضعفاء الرجال، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۴. حسینی استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة عليه السلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۵. حلّی، حسن بن علی بن داوود، کتاب الرجال، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۴۲ش.
۲۶. حلّی، علامه حلّی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، نجف: چاپخانه حیدریه، ج ۲، ۱۳۸۱ق.
۲۷. _____، المختصر النافع في فقه الإمامیة، قم: مؤسسه مطبوعات دینی، ج ۶، ۱۴۱۸ق.

٢٨. حميرى، نشوان بن سعيد، الحور العين و تبييه السامعين، قاهره: مكتبة الخانجي، ج١، ١٩٤٨م.
٢٩. خزّاز قمى، على بن محمّد، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر عليه السلام، قم: انتشارات بيدار، ج١، ١٤٠١ق.
٣٠. خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ مدينة السلام (تاريخ بغداد)، بيروت: دار الكتب العلميّة، ج١، ١٤١٧ق.
٣١. خويى، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، [بى جا]، [بى نا]، ١٣٧٢ش.
٣٢. _____، موسوعة الإمام الخوئيّ، قم: مؤسسه احياء آثار امام خويى، ج١، ١٤١٨ق.
٣٣. ذهبى، محمّد بن احمد، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ج١، ٢٠٠٣م.
٣٤. _____، سير أعلام النبلاء، بيروت: مؤسسه الرسالة، ج٣، ١٤٠٥ق.
٣٥. _____، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، بيروت: دار المعرفة، ج١، ١٣٨٢ق.
٣٦. رازى، عبدالرحمن بن محمّد، الجرح و التعديل، حيدرآباد دكن: مجلس دائرة المعارف عثمانى، ج١، ١٣٧١ق.
٣٧. سبزوارى، محمّدباقر، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، افست از نسخه ١٢٤٧ق.
٣٨. سمعانى، عبدالكريم بن محمّد، الأنساب، حيدرآباد دكن: مجلس دائرة المعارف عثمانى، ج١، ١٣٨٢ق.
٣٩. شوشترى، محمّدتقى، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ج٢، ١٤١٠ق.
٤٠. صفّار قمى، محمّد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمّد عليه السلام، قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ج٢، ١٤٠٤ق.
٤١. طبرى صغير، محمد بن جرير، دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: بعثت، ج١، ١٤١٣ق.
٤٢. طوسى، محمّد بن حسن، العدة في أصول الفقه، قم: [بى نا]، ج١، ١٤١٧ق.
٤٣. _____، تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، تهران: انتشارات اسلاميه، ج٤، ١٤٠٧ق.
٤٤. _____، رجال الطوسى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ج٣، ١٤٢٧ق.
٤٥. _____، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول (فهرست الطوسى)، قم: كتابخانه محقق طباطبايى، ج١، ١٤٢٠ق.
٤٦. عاملى، حسن بن زين الدين، منتقى الجمان في الأحاديث الصحاح و الحسان، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ج١، ١٣٦٢ش.

٤٧. عاملي، شيخ بهائي، محمد بن حسين، مشرق الشمسين و إكسير السعادتين (مع تعليقات الخواجوتي)، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامي آستان قدس رضوي، ج ٢، ١٤١٤ق.
٤٨. عاملي، محمد بن علي موسوي، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليه السلام، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ج ١، ١٤١١ق.
٤٩. قمي [منسوب به]، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، قم: دار الكتاب، ج ٣، ١٤٠٤ق.
٥٠. كاتب بغدادی [منسوب به]، محمد بن احمد (ابن ابی الثلج)، تاريخ أهل البيت عليه السلام نقلًا عن الأئمة عليه السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج ١، ١٤١٠ق.
٥١. كجوري شيرازي، مهدي، الفوائد الرجالية، قم: مؤسسه علمي فرهنگي دارالحدیث، ج ١، ١٤٢٤ق.
٥٢. كشي، محمد بن عمر، إختيار الرجال (رجال الكشي)، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ج ١، ١٣٤٨ش.
٥٣. كلبی، هشام بن محمد، جمهرة النسب، بيروت: عالم الكتب، ج ١، ١٤٠٧ق.
٥٤. _____، نسب معدّ و اليمن الكبير، بيروت: عالم الكتب، ج ١، ١٤٢٥ق.
٥٥. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: انتشارات اسلاميه، ج ٤، ١٤٠٧ق.
٥٦. _____، الكافي، قم: مؤسسه علمي فرهنگي دارالحدیث، ج ١، ١٤٢٩ق.
٥٧. مامقاني، عبدالله، تقيق المقال في علم الرجال، (چاپ قديم)، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
٥٨. مجلسي، علامه مجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ج ٢، ١٤٠٣ق.
٥٩. مجلسي، مجلسي اول، محمدتقي، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم: بنياد فرهنگ اسلامي حاج محمدحسين كوشانپور، ج ٢، ١٤٠٦ق.
٦٠. مزي، يوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال في أسماء الرجال، بيروت: مؤسسه الرسالة، ج ١، ١٤٠٠ق.
٦١. نجاشي، احمد بن علي، فهرست أسماء مصتفي الشيعة (رجال النجاشي)، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ٦، ١٤٠٧ق.
٦٢. نوبختي، حسن بن موسى، فرق الشيعة، بيروت: انتشارات دار الأضواء، ج ٢، ١٤٠٤ق.